

## ویراستار، نویسنده دوم یک اثر

(بررسی مشکلات پیش‌روی ویرایش و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای جایگاه ویراستاران)

زهرا جمشیدی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری.

### چکیده

با پیشرفت علوم و چاپ و نشر هرچه بیشتر آثار مکتوب اعم از کتاب، مقاله، صفحات اینترنتی و ... نیاز به ویرایش و ویراستاران نیز بیش از پیش احساس می‌شود. ویرایش، علمی است که به تصحیح نادرستی‌ها، رفع کاستی‌ها، رسا کردن معنی، روان ساختن نوشته، نظم‌دادن به کلام و هماهنگ کردن آن با قواعد دستور زبان می‌پردازد. ویرایش انواعی دارد که عبارت‌اند از: ویرایش فنی، ویرایش تخصصی و ویرایش زبانی و ساختاری. با همه اهمیت ویرایش، متأسفانه در ایران چندان به این علم توجه نمی‌شود؛ در حالی که ویراستار به عنوان مکمل نویسنده، نقشی فعال در پیشرفت و موفقیت یک اثر دارد و شاید مبالغه نباشد اگر ویراستار را نویسنده دوم آثار در نظر بگیریم. نگارنده در این جستار با روش تحلیلی به دلایل کم‌توجهی و بی‌توجهی به ویرایش و همچنین ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای جایگاه علم ویرایش در ایران می‌پردازد. از دلایل بی‌توجهی به جایگاه ویرایش و ویراستاران می‌توان به جدید بودن علم ویرایش در ایران، بی‌نقص دانستن قلم خود توسط نویسندگان و کاستن هزینه چاپ از طرف ناشران اشاره کرد. برای معرفی بهتر علم ویرایش، تأسیس رشته دانشگاهی ویراستاری، تقویت مجمع صنفی فعال ویراستاران و توجهی بسیار به آن، تبلیغ هرچه بیشتر این علم در فضای مجازی توسط ویراستاران، برگزاری همایش‌هایی در زمینه ویرایش و اصول درست‌نویسی توسط دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، تأسیس و ایجاد مجله‌های تخصصی و علمی - پژوهشی در زمینه ویرایش برای ارتقای جایگاه علم ویرایش و تربیت نیروهای کارآمد و متخصص در حوزه کسب تخصص علمی برای وجهه بخشیدن به علم ویرایش و جایگاه ویراستاران پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ویرایش، ویراستار، نویسنده، صنعت چاپ.

### 1. مقدمه

زبان و ادبیات فارسی یکی از رشته‌هایی است که هم با زبان و هم با ادبیات در ارتباط است. در این رشته است که با مطالعه پیشینه فرهنگی و ادبی خود، قواعد زبان رسمی کشور را در هر دوره‌ای می‌خوانیم و می‌آموزیم که چگونه قواعد یک زبان ممکن است در طول دوران خود دچار تحول شود. علاوه بر این با یادگیری قواعد زبانی دوران خود، درست‌نویسی را آموخته و آموزش می‌دهیم؛ اما متأسفانه در کنار بسیاری از این تلاش‌ها، هنوز در میان بخش اعظمی از نوشتارهای علمی، ادبی و ... نوشته‌هایی وجود دارند که قلم نویسنده در آن گنگ، نارسا و یا دچار خلل و لغزش است. در این شرایط

است که درمی‌یابیم نیاز یک متن به ویرایش تا چه اندازه مهم و حیاتی است. به عبارتی دیگر، ویرایش هویتی بهبود یافته به متون می‌بخشد و با اصلاح آن‌ها چهره‌ای پاک و زدوده از خطا و نقص را از آثار نوشته شده ارائه می‌کند. ویرایش، اسم مصدر یا حاصل مصدر و به معنای تصحیح و تنقیح متن و معادل واژه انگلیسی Editing است. ویرایش، اسم مصدر از ویراستن به معنای اصلاح کردن و کم کردن چیزی برابر زینت و آرایش و در اصطلاح، تصحیح و آماده‌سازی پیش از چاپ و انتشار آثار نوشتاری است. هر نوشته‌ای باید از جهات گوناگون محتوا، زبان، دقت، نظم، آراستگی، رعایت علائم نگارشی، رعایت نکات دستوری، املائی و نگارشی، بازبینی شود؛ بازبینی نوشته «ویرایش» نام دارد است. ویرایش، دانشی است که به تصحیح نادرستی‌ها، زدودن کاستی‌ها، رسا کردن معنا، روان کردن نوشته، سامان دادن کلام و همخوان کردن آن با قواعد دستور زبان می‌پردازد. در یک جمله می‌توان گفت که ویرایش، درست‌نویسی، رسانویسی و با قاعده‌نویسی است. کسی که به این اقدامات مبادرت می‌ورزد و کار ویرایش متن را انجام می‌دهد، «ویراستار» نامیده می‌شود. ویرایش به لحاظ چینش و ترتیب منطقی پس از نگارش است؛ یعنی آن‌گاه که موضوعی خلق و نوشته‌شد، باید به ویراستار سپرده شود (آرتا، 1395 الف: 156).

نیکوبخت ویرایش را مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی و هنری می‌داند که در نتیجه آن، متن کتاب یا مقاله یا گزارش، برای مخاطب ساده، روان، قابل درک و پذیرفتنی می‌شود و این فرایند با اعمال مجموعه‌ای از قواعد و قوانین زبانی، نشانه‌گذاری و ساختاربندی متن انجام می‌شود (نیکوبخت، 1386: 13).

با توجه به نکات ذکر شده درمی‌یابیم که ویرایش تا چه اندازه مهم و شایسته توجه است؛ به عبارتی بهتر، کار ویراستار شبیه به نگارش و تألیفی مجدد است که نویسنده اول کتاب را یاری می‌دهد و از دانش خود بهره‌مند می‌سازد.

## 1-1. پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری به بررسی و تحلیل اهمیت ویرایش برای متن و نویسنده پرداخته‌اند که در زیر به برخی از این محققان اشاره می‌شود:

سمیعی‌گیلانی (1383) در کتاب *ارزشمند نگارش و ویرایش*، ابعاد مختلف ویرایش و نگارش یک اثر را شرح می‌دهد. فتوحی (1385) نیز با انتشار کتاب *آیین نگارش در بخشی از کتاب با بررسی قواعد درست نوشتن*، نکات ویرایشی را نیز یادآور می‌شود.

ذوالفقاری (1390) در کتاب *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*، مهم‌ترین نکات مربوط به ویراستاری یک اثر را توضیح می‌دهند و همان‌گونه که از نام کتاب آشکار است، این کتاب راهنمایی است برای ویراستاران.

صفرزاده (1396) در کتاب *گرانبهای خود با عنوان دست‌نامه ویرایش به بررسی و ذکر مباحثی دقیق درباره ویرایش پرداخته‌است*. گفتنی است کتاب مذکور یکی از ارزشمندترین آثار در حوزه علم ویرایش است و به شدت مورد اقبال و توجه پژوهشگران واقع شده‌است.

رحیمیان، (1382)، در مقاله «نگاهی به مفهوم و مشکلات ویرایش و رسالت ویراستار»، ویراستاری را یکی از ضروری‌ترین مراحل پیش از چاپ هر نوشته می‌داند و ضمن بیان دیدگاه خود راجع به ارزش ویراستاری، انواعی از ویرایش را نیز معرفی می‌کند.

اسمعیلی (1393) در مقاله «تحلیل دستاوردهای ویراستاری در ایران با نگاهی به آثار منتشر شده تا دهه 1390» با بررسی حدود 503 اثر، اطلاعاتی درباره ویرایش به دست می‌دهد که روند ویراستاری و دست‌آوردهای آن را در کشورمان نشان می‌دهد.

آرتا (1395 ب)، نیز در مقاله «ویراستار در کنار نویسنده است نه در مقابل او»، توضیحاتی مفید درباره ویراستاری و مشکلات پیش روی ویراستاران بیان می‌کند و بر این امر پای می‌فشارد که باید جایگاه واقعی ویراستار و نقش مهم او در تنقیح متون به رسمیت شناخته شود و همه نویسندگان از حضور ویراستار در کنار خود استقبال کنند و او را به عنوان یار و مددکار در نظر بگیرند؛ نه به عنوان خرده‌گیری طعنه‌زن.

### 1-2. ضرورت تحقیق

از آن جا که با پیشرفت علوم و فنون مختلف در جهان و در ایران، چاپ آثار نیز روز به روز بیشتر شده است، نیاز توجهی بیش از گذشته نسبت به علم ویرایش به عنوان کامل‌کننده آثار به خوبی احساس می‌شود. نکته مهم دیدگاهی است که نسبت به ویرایش و ویراستاران وجود دارد که شوربختانه گاهی در ایران، نگاه به ویراستاران با دیدی علمی انجام نشده است و در بسیاری از اوقات خصوصاً در دهه‌های قبل ویرایش را امری غیر لازم و ویراستار را فردی عیب‌گیر در نظر می‌گرفتند که جز خرده‌گیری و آزار نویسنده و ناشر کار دیگری ندارد! خوشبختانه این دیدگاه در حال اصلاح است، اما ضرورتی که وجود دارد این است که ویراستار را در کنار نویسنده بدانند و نه در مقابل و دشمن او. آنچه به عنوان ضرورتی مهم در این جستار وجود دارد و عامل اصلی نوشتن این مقاله شده این است که ویراستار را به عنوان مکمل کار نویسنده در نظر بگیریم و همان‌گونه که اشاره شد و عنوان مقاله نیز گویای این اندیشه است، ویراستار را به عنوان نویسنده دوم کتاب یا اثر مکتوب در نظر بگیریم که با دلسوزی، سعی در زدودن خطاها و نواقص نویسنده اصلی کتاب دارد.

### 1-3. روش تحقیق

در این جستار با دیدی جامع نسبت به ویرایش و ویراستار، به روشی تحلیلی به بررسی جایگاه نویسنده و ویراستار پرداخته شده است و با توجه به دیدگاه‌هایی که درباره ویرایش وجود داشته و دارد علل و عوامل بی‌توجهی به ویرایش و ویراستار بررسی شده و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای بهبود جایگاه ویراستاران و ویرایش به عنوان یک علم جدی مبادرت ورزیده شده است.

### 2- بیان مسئله

در جهان معاصر، روند چاپ یک اثر مکتوب، اعم از کتاب، مقاله، رساله و... مراحل مختلفی دارد که ویرایش متن، یکی از مراحل مهم و حیاتی در چاپ اسناد نوشتاری به‌شمار می‌رود. ویرایش متون از کارهایی است که در تمامی کشورهای جهان شناخته شده و رواج دارد و شخص ویراستار، از ارج و مرتبه‌ای همپای نویسنده بهره‌مند است و تمام ناشران اغلب

در فعالیت‌های خود از وجود ویراستاران متبحر و حرفه‌ای سود می‌برند. متأسفانه این مقوله هنوز در ایران جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده‌است و ناشران و نویسندگان، به ویراستاری به عنوان یک سرگرمی و تفنن نگاه می‌کنند؛ از این رو لازم و ضروری است که در صنعت چاپ کشور ما نیز قدر و اهمیت اصلاح متن، شناخته و تثبیت شود (آرتا، 1395 ب: 119).

اهمیت ویراستار برای متن به حدی است که بنا بر تجربه، یک ویراستار می‌تواند باعث شهرت یا گمنامی یک اثر شود. خوارزمی در مقدمهٔ *الجبر و المقابله* در اهمیت ویرایش و ویراستار این‌گونه می‌نویسد: مؤلف سه گونه است: یا دانشی مردی است که برای اولین بار، دانشی را ابداع یا کشف می‌کند؛ در این صورت مردم پس از او در حکم وارثان او خواهند بود. یا اندیشمندی است که آثار پیشینیان را شرح و تفسیر می‌کند و مطالب مبهم و پیچیده را روشن می‌سازد و راه روشن تری نشان می‌دهد و نتیجه‌گیری را آسان می‌کند. یا خردمندی است که در برخی از کتاب‌ها به نادرستی و آشفتگی برمی‌خورد، پس آن نادرستی را اصلاح می‌کند و عیوب را برطرف می‌سازد، با خوش بینی به کار نویسنده می‌نگرد و بر او خرده نمی‌گیرد و از این که متوجه خطا و اشتباه دیگران شده، به خویشتن نمی‌بالد (منجد، 1353: 23 و 24). می‌بینیم که حتی در متون کهن نیز ویرایش به رسمیت شناخته شده‌است و ویراستاران را خردمندانی دلسوز می‌دانند که به عنوان یاری‌دهندهٔ نویسنده، بدون هیچ تنگ‌چشمی و یا سوءنیتی، اشکالات کار نویسنده را برطرف کرده و کار او را پیراسته‌تر می‌کنند.

از نظر سلطانی و راستین ویرایش، تصحیح و پردازش و تجدیدنظر در یک اثر نوشتاری است؛ به نحوی که پس از اعمال آن متنی منقح و مستند به دست می‌آید و برای این هدف کنترل دست‌نویس به وسیلهٔ ناشر یا مسئول چاپ و اطمینان از صحیح بودن مطالب، اصلاح موارد انشایی و دستوری ضروری و لازم است (سلطانی و راستین، 1379: ذیل ویراستاری). با توجه به حجم بالای آثار منتشر شده در رشته‌های گوناگون در سال‌های اخیر، اهمیت و توجه به علم ویرایش روز به روز بیشتر خود را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد دغدغهٔ ویرایش و توجه به جایگاه ویراستاران در حال حاضر می‌بایست یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی جامعهٔ علمی و دانشگاهی باشد. نکتهٔ مهم دیگر این است که نباید ویرایش را کاری سطحی و پیش پا افتاده تلقی کرد، که متأسفانه همان‌گونه که بعداً اشاره خواهیم کرد، یکی از مشکلات حال حاضر ویراستاری همین موضوع است.

برای بسیاری از کسانی که در طول روز با خواندن، نوشتن و تدریس کتاب‌ها در ارتباط هستند پیدا و آشکار است که آن‌چه توجه خواننده را هنگام خواندن یک کتاب به خود جلب می‌کند و لذت خواندن متن را برای او به هدیه می‌آورد، علاوه بر محتوای غنی و استوار و در عین حال قلم توانمند نویسندهٔ آن، خالی بودن متن از عیب‌ها، نواقص و اشتباهات زبانی است که این وظیفه بر عهدهٔ ویراستار کتاب یا سایر آثار است. در این نقش است که ویراستار مکمل نویسنده می‌شود و بخش مهمی از موفقیت یک اثر را به خود اختصاص می‌دهد.

نکتهٔ مهم دیگر این است که بدانیم و آگاه باشیم که بیشترین دخل و تصرف ویراستار در حوزهٔ زبان است. به عبارتی بهتر، زبان ابزار اصلی کار ویراستار است. نویسنده و ویراستار در ابتدای امر و برای پیشرفت در کار خود باید زبانی درست

و اصولی و مبتنی بر مقتضای نوشته انتخاب‌کنند؛ بنا بر نظر مرحوم پرویز ناتل خانلری، زبان دو صورت ملفوظ و مکتوب دارد: صورت ملفوظ آن همان ارتعاشات صوتی است که در هوا پخش می‌شود و ناپایدار است. این نمود زبان شنیدنی است؛ یعنی از راه گوش دریافت می‌شود. ناتل خانلری، این نمود زبان را ابزار بیان معانی و ارتباط میان اذهان بشر به وسیله گفتن و شنیدن دانسته است (رک: ناتل خانلری، 1343، ج 1: 3). صورت مکتوب آن، همان نوشتار است که ثبت و ضبط گونه ملفوظ تلقی می‌شود و ماندگار است. این نمود زبان، با نشانه‌های دیدنی، مستقیماً و بی‌واسطه لفظ به وجود اشیاء و امور دلالت می‌کند که آن را «صوت‌نگاری» می‌گویند (همان: 10).

زبان را از منظر شیوه نوشتار می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد: 1. زبان عادی؛ 2. زبان علمی؛ 3. زبان ادبی؛ 4. زبان محاوره. **زبان عادی**، زبانی است که برای برآوردن نیازهای زندگی روزمره به کار می‌رود و در مکالمات معمول روزانه از آن بهره می‌جوییم. زبان در این سطح پیچیدگی و فرهیختگی سطوح دیگر را ندارد؛ مانند نامه‌ها و مکاتبات رسمی و اداری. **زبان علمی**، زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی. در این زبان، لفظ به معنای حقیقی یا آن معانی مجازی و کنایی به کار می‌رود که مشهور است. زبان علمی، حاوی مفاهیم و اصطلاحاتی است که مصادیق مشخصی دارند و حوزه مصداقی آن‌ها محدود به حدودی است که در تعریف آن‌ها به روشنی و دقت منعکس شده است. این نوع از زبان، ما را مستقیم و بدون آن که بر سر کلمات و تعبیرات، درنگ کنیم، به مفهوم مورد نظر رهنمون می‌شود. در نگارش کتاب‌ها، مقاله‌ها و موضوعات علمی مانند تاریخ، فلسفه، حقوق، شیمی، ریاضی و... از این زبان استفاده می‌شود. **زبان ادبی**، واژگونه زبان علمی است؛ یعنی مخاطب پیش از آن که به معنی و مدلول واژه‌ها دست یابد، به لفظ آن‌ها توجه می‌کند. زبان ادبی، سرشار از صنایع ادبی و صور خیال است و واژه‌ها و تعبیرات خواننده را به عرصه خیال می‌کشاند و او را از آن جا به معنای اصلی، رهنمون می‌شوند. این نوع از زبان بیشتر در متون ادبی اعم از شعر، رمان و... به کار می‌رود. **زبان محاوره**، درعین آن که از صورخیال مایه می‌گیرد، با زبان ادبی از دو جهت فرق اساسی دارد: یکی آن که تعبیر تصویری را عموماً تقلیدی به کار می‌برد و دیگر آن که از نظم و آراستگی که وجه مشترک زبان علمی و ادبی است، بی‌بهره است. کنایه‌ها، تعریض‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... که مردم در کوچه و بازار به کار می‌برند، از نوع زبان محاوره است (رک: سمیعی، 1383: 47-48).

ویراستار با توجه به زبانی که نویسنده برای اثر خود انتخاب کرده است، دست به اصلاحات و ویرایش می‌زند؛ به عبارتی بهتر، اگر زبان نوشته علمی است در همان حوزه زبان علمی ویرایش خود را آغاز می‌کند، اگر زبان محاوره باشد در همان حوزه و... انتخاب نوع زبان ویرایش در گرو انتخاب نوع زبان از جانب نویسنده اصلی کتاب است و از آن جا که ویراستار دایره لغاتی گسترده‌تر و کامل‌تر دارد می‌تواند زبان نویسنده را کامل‌تر کند و از خطاهای احتمالی بپیراید.

احمدی‌گیوی و دیگران (1389: 7-9) معتقدند که از حیث سبک نگارش و آیین درست‌نویسی، نوشته خوب نوشته‌ای است که در آن موارد زیر رعایت شده باشد:

1. ساده‌نویسی: در نوشته عبارات مبهم و جملات پیچیده به کار نرود؛

2. عفت قلم و پاکی فکر: نویسنده از کاربرد الفاظ رکیک و توهین به دیگران برکنار بود؛ زیرا ناسزاگویی، نویسنده را در نظر خواننده بی‌مقدار می‌کند. رعایت این نکته، به‌ویژه در نقد کتاب‌ها و آثار دیگر نویسندگان، بسیار ضروری است. گاهی دیده می‌شود، در مقاله‌هایی که در نقد آثار دیگران نوشته می‌شود، نویسنده اثر موردنقد، در معرض انواع توهین، کنایه و طعنه قرار می‌گیرد که به‌هیچ‌روی، درخور و شایسته نیست؛
  3. وحدت موضوع: نویسنده باید در سراسر نوشته خود از اصل موضوع دور نشود و همه اجزا و عناصر نوشته، پیرامون موضوع اصلی باشند؛
  4. استفاده به‌جا و متعادل از بیان ادبی: کاربرد عناصر ادبی مانند کنایات و تشبیهات اگر درست و در جای خود باشد و به افراط کشیده نشود، نوشته را پربارتر، گیراتر و خواندنی‌تر می‌کند؛
  5. امانت‌داری در نقل سخن دیگران: اگر مطلب یا گفتاری را عیناً از کسی نقل می‌کنیم، باید آن را در داخل گیومه قرار دهیم و با ذکر مأخذ و شماره صفحه به آن اشاره کنیم؛
  6. اختصار: نوشته ما باید تا حد امکان، مختصر و مفید باشد؛
  7. پرهیز از کاربرد واژه‌های دشوار و بیگانه: باید از به‌کاربردن واژه‌های دور از ذهن احتراز جوییم و تا می‌توانیم از آوردن واژه‌های بیگانه‌ای که مترادف آن‌ها در زبان فارسی موجود است، خودداری کنیم؛
  8. رعایت املاي درست کلمات: از کاربرد واژه‌هایی که املاي درست آن‌ها را نمی‌دانیم، پرهیز کنیم؛
  9. رعایت قواعد دستوری: ارکان و اجزای جمله را در جای مناسب خود به کار بریم؛
  10. دقت در نشانه‌گذاری‌ها: رعایت قواعد نشانه‌گذاری، یکی از عواملی است که در بیان نویسنده و سهولت درک خواننده بسیار مؤثر است؛
  11. آوردن هر مطلب در یک بند (پاراگراف) جدا: باید هر قسمت از نوشته را که حاوی اندیشه یا مطلب مخصوصی است، در یک بند مستقل بیاوریم؛ برای نمونه، اگر مقاله‌ای درباره یک شخصیت ادبی یا علمی می‌نویسیم و درباره محیط زندگی او بحث می‌کنیم، باید آن را در بندی جدا بیاوریم و با دیگر قسمت‌های نوشته مثل دوران کودکی، تحصیلات، تألیفات و... تلفیق نکنیم و هر یک از آن‌ها را در یک بند مستقل توضیح دهیم.
- مواردی که در بالا از قول منبعی که به آن ارجاع دادیم بیان شد، می‌تواند اصول درست نویسندگی و ویراستاری را به خواننده ارائه و منتقل کند و از این نظر باید در نظر داشته باشیم تا زمانی که قواعد درست‌نویسی به ویراستاران آموخته نشود، ویراستار نمی‌تواند کاری علمی و دقیق انجام دهد.

## 1-2. ویرایش و انواع آن

با اندک تأمل و دقتی آشکار می‌شود که ویرایش یکی از شاخه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی است و پژوهشگران بسیاری درباره این علم، نکته‌ها نوشته‌اند و برای آن قائل به تقسیم‌بندی‌هایی شده‌اند؛ از جمله این افراد استاد حسن ذوالفقاری است که در تقسیم‌بندی انواع ویرایش، دسته‌بندی زیر را پیشنهاد می‌دهند:

ویرایش سه نوع است:

- الف) ویرایش فنی (آراستگی ظاهری و نظم و ترتیب بخشیدن به اثر)؛
- ب) ویرایش زبانی و ساختاری (مربوط به جنبه‌های دستوری و نگارشی)؛
- ج) ویرایش تخصصی (ناظر به جنبه علمی یا تخصصی اثر).

### الف) ویرایش فنی

ویرایش فنی بیشتر ناظر به جنبه ظاهری و صوری است و به اثر نظم و آراستگی ظاهری و بیرونی می‌دهد و به آن جلوه‌ای دیگر می‌بخشد. عموماً اثر، در پرتو ویرایش فنی، ارزش تازه‌ای پیدا می‌کند و در همان نگاه اول و توریق صرف، خواننده را مجذوب می‌سازد و این باور را در او تلقین می‌کند که با یک کالای فرهنگی مرغوبی سروکار پیدا کرده‌است (رک: سمیعی‌گیلانی، 1383: 139). ویرایش فنی شامل موارد زیر است:

- یک‌دست کردن رسم‌الخط کلمات؛
- اصلاح غلط‌های املائی؛
- کنترل پاراگراف‌بندی؛
- اعمال قواعد عددنویسی، اعراب‌گذاری و اختصارهای متنی؛
- مشخص کردن حدود نقل‌قول‌ها، بررسی ارجاعات، درستی نشان مآخذ و پانوشت‌ها و یادداشت‌ها؛
- بررسی جدول‌ها، نمودارها، تصاویر، عکس‌ها...؛
- کنترل اندازه و قلم حروف، عنوان فصل‌ها، بخش‌ها، زیربخش‌ها و نمونه‌خوانی.

### ب) ویرایش زبانی و ساختاری

در ویرایش زبانی نکته‌ای که اهمیت دارد این است که ویراستار باید توجه داشته‌باشد که نوشته، متعلق به نویسنده یا صاحب اثر است و به نام او منتشر می‌شود؛ لذا ویراستار باید در تصحیح و تنقیح جمله‌ها و عبارات‌ها امانت‌داری را به‌جای آورد و نباید سبک و نحوه بیان نویسنده را به کلی تغییر دهد از بین ببرد و نوشته باید به زبان و سبک مورد تأیید نویسنده باشد. مهم‌ترین اقداماتی که ویراستار باید در ویرایش ساختاری و زبانی انجام دهد، شامل این موارد است:

- رفع خطاهای دستوری، ساختاری و جمله‌بندی؛
- اصلاح انحراف از زبان معیار و یک‌دست کردن زبان نوشته؛
- ابهام‌زدایی از عبارات‌های نارسا، مبهم، متناقض، نامفهوم و عامیانه؛
- انتخاب برابرهای مناسب برای واژگان غیرپارسی، حذف واژگان، تعابیر و اصطلاحات و عبارات‌های تکراری و زائد؛
- کوتاه کردن جمله‌های طولانی و روان‌سازی جمله‌ها؛
- ساده‌سازی متن از نظر جمله‌بندی.

### ج) ویرایش تخصصی یا محتوایی

این نوع ویرایش را شاید بتوان پیشرفته‌ترین نوع ویرایش دانست که در آن ویراستار وارد حوزه تخصصی و علمی ویرایش متن می‌شود. رفع تناقضات علمی و محتوایی در کل اثر، اصلی‌ترین کاری است که در ویرایش محتوایی اعمال

می‌شود. اثر علمی - تحقیقی در سطح دانشگاهی، اگر تألیفی باشد، به ویرایش تخصصی نیاز دارد. ویراستار تخصصی، از نظر تسلط و تخصص علمی باید در حد نویسنده و حتی بالاتر از او باشد. «فقط ناشران معتبری که دامنه کارشان گسترده است و رشته‌های متعدد علمی و فنی را در برمی‌گیرد، به ویراستاران متخصص در شعب علوم و فنون نیاز دارند و بنیة مالی آن‌ها اجازه استفاده از آنان را می‌دهد» (سمیعی‌گیلانی، 1383: 135). ویرایش تخصصی یا علمی یا محتوایی شامل موارد زیر است:

- حذف، کاهش یا تلخیص مطالب تکراری، غیرضروری، غیرمستند، مبتذل، نامتعارف، سست و ضعیف؛
- اصلاح، تنظیم و جابه‌جایی مطالب برای انسجام و یک‌دستی نوشتار؛
- افزایش برخی نکات فراموش‌شده، جا افتاده در متن یا پاورقی؛
- مقابله متن با اصل (در صورت ترجمه یا تصحیح متون کلاسیک)؛
- توضیح، یادآوری یا پیشنهاد ضروری در پاورقی که البته باید با ذکر کلمه «ویراستار» و با اجازه از نویسنده کتاب باشد.

- بازبینی و تصحیح مطالب نادرست، متناقض و غیرعلمی.

آن‌چنان‌که از این تقسیم‌بندی و انواع آن برمی‌آید، ویراستاری علمی است دقیق، حساس و کارآمد که می‌تواند جایگاهی بسیار مهم در پیشرفت آثار نوشتاری داشته‌باشد. امروزه با آن‌که در همه دنیا ویراستاری نهادینه شده؛ اما در کشور ما باز برای بیشتر نویسندگان و اهل قلم ناشناخته مانده یا از آن ناگوارتر، بد شناخته شده‌است. به عبارتی دیگر، با گسترش صنعت چاپ و نشر آثار مکتوب، ویراستاری متون نیز اهمیت به‌سزایی پیدا کرده؛ اما با وجود اهمیت ویراستاری، بنا به دلایلی این مقوله در کشور ما به‌خوبی جا نیفتاده است. کسانی که لفظ ویراستار به گوششان خورده اغلب می‌پندارند که این تازه‌وارد در صنعت نشر، کارش جداکردن «می‌ها و گاهی دخل و تصرف در نوشته و نوعی فضولی در کار صاحب‌اثر است (رک: سمیعی‌گیلانی، 1383: 131).

## 2-2. بی‌توجهی به ویرایش و ویراستار

سید محمد آرتا، برای بی‌توجهی به ویرایش در کشورمان دلایلی چند ذکر می‌کند که مهم‌ترین عوامل بی‌توجهی به این موضوع را، موارد زیر می‌داند:

- اول این‌که ویراستاری عمری کوتاه دارد و از دانش‌های جدید و امروزی محسوب‌می‌گردد و این فن در ایران بسیار دیر آغاز شد. *کامران فانی* که خود نویسنده و از فعالان عرصه ویراستاری است معتقد است که «ویراستاری اصولاً در تاریخ نشر کتاب در ایران امر تازه و جدیدی است. ویراستاری به معنای امروزی تاریخی پنجاه ساله در ادبیات ایران دارد و با تأسیس مراکز فرهنگی چون مرکز ترجمه و نشر کتاب و فرانکلین که به‌طور جدی روی ارکان نشر از جمله ویراستاری برنامه ریزی کرده‌بودند، مسئله ویرایش کتاب‌ها جدی گرفته شد. این مراکز این فرهنگ را ایجاد کرد که کتاب نباید صرفاً نوشته و روانه چاپخانه گردد، بلکه لازم است قبل از چاپ ویرایش شود» (کامران فانی، به نقل از سایت خبرگزاری مهر)؛



به همین دلیل، اهمیت ویراستاری برای بسیاری از فعالان عرصه چاپ، نویسندگان و پژوهشگران ناشناخته و گمنام باقی مانده است و آنان به نقش مؤثری که یک ویرایش مطلوب می‌تواند در ارتقاء یک اثر داشته‌باشد، واقف نشده‌اند.

- دلیل دوم بی‌توجهی به ویراستاری این است که برخی نویسندگان یا مترجمان ما بر این باورند که قلم آنان بی‌نقص است و در کار نوشتن، از هر خطایی مبرا هستند و ذکر نام ویراستار در کنار نامشان از شأن و اعتبار آنها می‌کاهد و حیثیت علمی و نوشتاری آنان را زیر سؤال می‌برد؛ به همین دلیل این نویسندگان به یاری گرفتن از ویراستار جهت پیراسته‌تر شدن متن اثرشان چندان اعتقادی ندارند. تصور می‌شود، این گروه از نویسندگان به ویراستار به چشم یک رقیب نگاه می‌کنند که قرار است به عنوان مدعی، از نوشته آنان خُرده‌گیری کند و در برابر نویسنده بایستد؛ درحالی که ویراستار همکار مؤلف است، نه رقیب او و در کنار نویسنده قرار می‌گیرد تا متن را از نظر دستور زبان و آیین نگارش هماهنگ و یک‌دست کند و ایرادها و اشکالها را نیز برطرف سازد و در نهایت، متنی پیراسته و منسجم به ناشر تحویل دهد؛ در این حال، ویراستار به باغبانی می‌ماند که شاخه‌های زائد و بی‌ثمر درخت را هرس می‌کند و در نتیجه، زیبایی درخت بیشتر به چشم می‌آید.

- سوم این که، متأسفانه برخی ناشران و نویسندگان جنبه‌های مالی را در نظر می‌گیرند به‌منظور کاستن از هزینه‌های چاپ اثر، از بهره بردن از تخصص ویراستار، شانه خالی می‌کنند و کار را ویرایش نشده به ناشر تحویل می‌دهند و حاضر نیستند بابت این کار پولی بدهند یا اندک هزینه‌ای صرف‌کنند و تلاش خود را بر حذف هزینه‌ها متمرکز می‌کنند. شاید ناشران و نویسندگان تصور می‌کنند با کسر این‌گونه هزینه‌ها، قیمت نهایی کتاب کمتر تمام می‌شود و اقشار کم‌درآمد جامعه نیز تمایل بیشتری به خرید آن پیدا می‌کنند. این درحالی است که هزینه ویراستاری یک متن، بسیار ناچیز است و فشار اقتصادی زیادی به نویسنده یا ناشر تحمیل نمی‌کند (به نقل از آرتا، 1395 ب: 119).

به نظر می‌رسد تا برداشت‌های نادرست درباره ویراستاری و عموماً ویرایش اصلاح‌نشود، این موضوع هنوز در ابتدای راه است و باید منتظر ادامه راه توسط تلاش پژوهندگان علوم زبانی و ویرایش بود.

### 3-2. پیشنهادهایی برای رسمی‌تر شدن ویرایش به عنوان یک علم مستقل

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد علم ویرایش و هویت ویراستار گاه جدی گرفته نمی‌شود و به دلایل این امر هم به صورت خلاصه اشاره‌هایی شد. اینک برای بهبود شرایط ویرایش و جایگاه ویراستاران در ایران پیشنهادهایی مطرح می‌شود که امید است به کار آید.

- نخستین پیشنهادی که به نظر مهم‌تر از سایر پیشنهادات است این است که ویرایش در ایران به عنوان یک رشته دانشگاهی در نظر گرفته شود؛ استادانی صاحب فن در حوزه ویرایش استخدام شوند و نسل‌هایی از دانشجویان به عنوان دانشجو و دانش‌آموخته رشته دانشگاهی ویراستاری (ویرایش) تربیت شوند و پس از این برای امنیت شغلی این تحصیل‌کردگان به عنوان قانونی جدی، ویرایش آثار نوشتاری فقط به این تحصیل‌کردگان سپرده شود. به عبارتی دیگر،

ویرایش یک رشته دانشگاهی متخصص پرور شود که دانش‌آموختگان آن، پس از فراغت از تحصیل امنیت شغلی داشته‌باشند.

- دوم این که می‌بایست شغل ویراستاری همچون سایر مشاغل فرهنگی مثل نویسندگی، موسیقی، بازیگری و ...، مجمع صنفی فعالی داشته‌باشد که از حقوق ویراستاران به عنوان یک جامعه فرهنگی حمایت کند. البته گویا در چند سال اخیر تلاش‌هایی در این زمینه انجام گرفته‌است و انجمن صنفی ویراستاران تشکیل شده‌است؛ اما این تلاش‌ها کافی نبوده و هنوز شغل ویراستاری جایگاه درخور خود را در ایران نیافته‌است. به عبارتی دیگر بهتر است که مجمع صنفی ویراستاران تلاشی بسیار گسترده در جهت استیفای حقوق مادی و معنوی ویراستاران به کار گیرد و به روش‌های مختلف سعی در جلب توجه جامعه علمی و دانشگاهی به ویرایش و ویراستاران داشته‌باشد. از طرفی یکی از مهم‌ترین کارهایی که انجمن صنفی ویراستاران باید بر آن پای بفشارد و بر آن تأکید کند، تربیت و پرورش افراد کارآمد در حوزه ویرایش است. نابخورداری ویراستاران از دانش و تخصص لازم می‌تواند به جایگاه علمی ویرایش و ویراستاران آسیب جدی وارد کرده و حیثیت علمی ویرایش و ویراستاران را زیر سؤال ببرد.

- پیشنهاد سوم این است که خود ویراستاران نیز برای ارتقای جایگاه شغلی خود تلاش کرده و در معرفی علم ویرایش و اهمیت آن و جایگاه ویراستاران در جامعه فرهنگی بکوشند و تا می‌توانند ابعاد مختلف این علم را در سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی تبلیغ کنند.

- پیشنهاد چهارم این است که هر ساله دانشگاه‌ها اقدام به برگزاری همایش‌های معتبر در زمینه ویرایش و اصول نگارش کنند و با چاپ و پذیرش مقالاتی ارزشمند در زمینه‌های یاد شده و دعوت از نظریه‌پردازان حوزه ویرایش، سعی در به روز کردن اطلاعات و دانش ویراستاران داشته‌باشند و از طرفی جایگاه ویرایش را به عنوان یک علم مهم تثبیت کنند.

- پیشنهاد دیگری که به ذهن نگارنده می‌رسد و با عنوان پیشنهاد پنجم مطرح می‌شود این است که مجله‌ای تخصصی و یا بهتر بگوییم مجله‌ای با اعتبار علمی — پژوهشی با زمینه تخصصی ویرایش، تازه‌های ویرایش، نظریه‌پردازی در حوزه ویرایش و ... تأسیس و ایجاد شود و با چاپ و پذیرش مقالات تخصصی به ارتقای هر چه بیشتر دانش ویرایش یاری‌رساند.

### 3- نتیجه‌گیری

ویرایش یکی از مهم‌ترین بخش‌های چاپ و نشر آثار مکتوب است. ویرایش، دانشی است که به تصحیح نادرستی‌ها، زدودن کاستی‌ها، رساکردن معنا، روان‌کردن نوشته، سامان‌دادن کلام و همخوان‌کردن آن با قواعد دستور زبان می‌پردازد. این علم ارزشمند در ایران تا حدودی برای بسیاری از افراد ناشناخته است و متأسفانه این ناشناختگی حتی در جوامع علمی نیز به چشم می‌خورد. بیشتر افراد ویراستار را به عنوان فردی خرده‌گیر می‌دانند که هیچ کار مهمی جز جدا کردن می و ها و ... از افعال و اسم‌ها ندارد. از دلایل بی‌توجهی به جایگاه ویرایش و ویراستاران می‌توان به جدید بودن علم ویرایش در ایران، بی‌نقص دانستن قلم خود توسط نویسندگان و کاستن هزینه چاپ از طرف ناشران اشاره کرد؛ در حالی که ویرایش کار ویراستاری است که به عنوان مکمل نویسنده نقشی فعال در پیشرفت و موفقیت یک اثر دارد و شاید گزافه و اغراق نباشد اگر ویراستار را نویسنده دوم آثار در نظر بگیریم.

ویراستار باید اشرافی عمیق بر انواع زبان و نوشته داشته باشد و در نقش یاری‌گر نویسنده به پرورش و بهبود هر چه بیشتر متن یاری رساند؛ به عبارتی دیگر او با انتخاب زبان نویسنده در اثر، آن زبان را تکمیل و بی‌نقص می‌کند. ویرایش انواعی دارد: ویرایش فنی، ویرایش تخصصی و ویرایش زبانی و ساختاری. برای معرفی بهتر علم ویرایش، تأسیس رشته دانشگاهی ویراستاری، ایجاد و تقویت مجمع صنفی فعال ویراستاران، تبلیغ هرچه بیشتر این علم در فضای مجازی توسط ویراستاران، برگزاری همایش‌هایی در زمینه ویرایش و اصول درست‌نویسی توسط دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و تأسیس و ایجاد مجله‌های تخصصی و علمی — پژوهشی در زمینه ویرایش برای ارتقای جایگاه علم ویرایش پیشنهاد می‌شود.

### منابع و مآخذ

- 1- آرتا، سید محمد، (1395 ب)، «ویراستار در کنار نویسنده است نه در مقابل او». *فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق*، شماره 6، 119.
- 2- آرتا، سید محمد، (1395 الف)، «سخن بی‌حرف؛ نقدی بر جنبه‌های ویرایشی کتاب بررسی آثار قبض در عقد بیع با تأکید بر نظرات امام خمینی (ره)». *فصلنامه نقد کتاب فقه و حقوق*، شماره 7، 155-170.
- 3- احمدی‌گیوی، حسن، اسماعیل حاکمی، یدالله شکری و سید محمود طباطبایی. (1389)، *زبان و نگارش فارسی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
- 4- اسمعیلی، اصغر، (1393)، «تحلیل دستاوردهای ویراستاری در ایران با نگاهی به آثار منتشر شده تا دهه 1390»، *نشریه ادب و زبان*، سال 17، شماره 36، 53-87.
- 5- ذوالفقاری، حسن. (1390)، *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی*، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
- 6- رحیمیان، جلال، (1382)، «نگاهی به مفهوم و مشکلات ویرایش و رسالت ویراستار». *نشریه ادب و زبان*، شماره 14، 19-40.
- 7- سلطانی، پوری و راستین فروردین، (1379)، *دانشنامه کتابداری*، تهران: فرهنگ معاصر.
- 8- سمیعی‌گیلانی، احمد. (1383)، *نگارش و ویرایش*، تهران: انتشارات سمت.
- 9- صفرزاده، بهروز، (1396)، *دست‌نامه ویرایش*، چاپ اول، تهران: کتاب سده.
- 10- کامران فانی، به نقل از سایت خبرگزاری مهر: [www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)
- 11- منجد، صلاح‌الدین، (1353)، *روش تصحیح نسخه‌های خطی*، ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات آبان.
- 12- ناتل خانلری، پرویز، (1343)، *زبان‌شناسی و زبان فارسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- 13- نیکوبخت، ناصر، (1386)، *مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معیار*، تهران: چشمه.